



مجمع تشخیص باارمورا
تصویب خواهد کرد

صفحه ۳



تاکید ایروان
بر توسعه روابط با تهران

صفحه ۱۰



چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۲۰ ذی القعدة ۱۴۴۶ - ۲۰ آوریل ۲۰۲۵ - سال بیست و چهارم - شماره ۶۵۲۶ - ۱۲ صفحه - ۱۵۰۰۰ تومان

رفع فیلترینگ به کجا رسید؟

تلاش دولت برای رفع فیلتر تلگرام و اینستاگرام

صفحه ۲

فاجعه تلخ اسکله شهید رجایی

تأثیری بر مذاکرات ندارد

دبیرکل حزب مردم سالاری گفت: حادثه بندر شهید رجایی بندرعباس هیچ تأثیری در روند گفت وگوها ندارد، حتی اگر ردپایی از رژیم صهیونیستی باشد یقین دارم بدون اطلاع آمریکایی‌هاست و حتماً سزای اعمال‌شان را خواهند دید. مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم سالاری در گفت‌وگو با دیدار نیوز با اشاره به حادثه بندر شهید رجایی گفت: بعضی از گمانه‌زنی‌ها می‌خواهند این حادثه را به رژیم صهیونیستی نسبت دهند، واقعاً اطلاعی ندارم و...

صفحه ۳

مهم‌ترین ناترازی ایران

ناترازی عقل است

وزیر اسبق کار و رفاه اجتماعی و دبیرکل حزب اسلامی کار در جلسه شورای مرکزی این حزب گفت: من فکر می‌کنم که مهمترین ناترازی که در کشور ما وجود دارد، ناترازی عقل است. در حقیقت ما از کمبود عقل و سیاست درست در اداره امور بیشتر از هر ناترازی دیگری رنج می‌بریم. مثل معروفی است که «وقتی عقل نباشد، جان در عذاب است». ما در حقیقت عذاب و ناراحتی‌هایی که تحمل می‌کنیم ناشی از عدم تکیه بر عقل و...

صفحه ۳

اشتغال غیر رسمی

۷۰ درصد نیروی کار در ایران

نشست بررسی ابعاد وضعیت کارگران در ایران به مناسبت روز کارگر عصر روز دوشنبه (هشتم اردیبهشت) در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با حضور جمعی از اساتید و اقتصاد دانان و جامعه‌شناسان برگزار شد. فرشاد مومنی (اقتصاددانان و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی) در این نشست گفت: اشتغال در اقتصاد یک متغیر سیستمی است که از پنج زاویه می‌توان درباره سیستمی بودن این متغیر حرف زد...

صفحه ۷

یادداشت

تحلیل ترامپ در چارچوب نظریه بازی‌ها

وحید افراسیابان

پیش بیاید. در تئوری بازی‌های ارتباطی، چنین سیگنال‌دهی مثبتی می‌تواند وجوهی از کزتابی را کاهش دهد و احتمال همکاری متقابل را افزایش دهد. **بازی مکرر:** تعامل واشنگتن با تهران در یک بازی تکراری انجام می‌شود. یعنی مذاکرات گذشته (مذاکرات ۲۰۱۵ و پس از آن) و مذاکرات فعلی یک‌سویه نیستند، بلکه ادامه یک روند طولانی است. ترامپ می‌تواند از رویکرد بازی مکرر بهره ببرد. با نشان دادن اعتطاف‌پذیری در چندین دور مذاکره، اعتبار خود را در چشم ایران افزایش دهد تا ایران نیز در نوبت‌های بعدی به تعهدات پایبند باشد. گرچه ترامپ در گذشته با خروج از برجام رویکرد تقابلی داشت، اما اکنون نشان می‌دهد که می‌تواند بازی را تکرار کند و در دور جدید پای میز مذاکره بنشیند، مشروط بر آنکه طرف مقابل سازش کند. بنابراین، ترامپ بازی احیای برجام را به عنوان فرصتی برای بازنشاندن روند دو جانبه با ایران تلقی می‌کند، به گونه‌ای که بازیگرها در چند مرحله متوالی به یک تعادل بهینه نزدیک شوند.

تحلیل دیدگاه بازی‌ها

تهدید معتبر: دیدگاه نتانیاهو بر پایه تهدید معتبر است. او بارها هشدار داده است که در صورت ادامه برنامه هسته‌ای ایران، اسرائیل به اقدام نظامی مجبور خواهد شد. از منظر نظریه بازی‌ها، نتانیاهو تلاش می‌کند بازی را به نفع خود طراحی کند.

با اعلام مداوم گزینه حمله نظامی و پافشاری بر نابودسازی زیرساخت‌ها، سعی دارد مابه‌ازای مذاکره را کاملاً به نفع خود تنظیم کند. او گفته است هر توافق قابل قبول باید «ظرفیت غنی‌سازی ایران را بردارد» و «تمام زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را برچیند». این موضع ضمن ارسال یک سیگنال هشدار دهنده به ایران، نمایانگر تهدیدی معتبر است که نشان می‌دهد در صورت نپذیرفتن شروط سخت، گزینه نظامی روی میز خواهد بود. وقتی نتانیاهو اعلام می‌کند «یک توافق واقعی آن است که زیرساخت‌ها را بردارد»، عملاً یک معادله صفر و یک ارائه می‌دهد که بازنده در صورت نپذیرفتن شرایط او، هزینه سنگینی (احتمال حمله) پرداخت خواهد کرد.

بازی اولتیماتوم: رفتار نتانیاهو کاملاً شبیه یک بازی اولتیماتوم است. او به آمریکا و ایران می‌گوید با کل برنامه هسته‌ای تعطیل شود یا هیچ توافقی پذیرفته نخواهد شد. نشریه تایمز او اسرائیل گزارش می‌دهد او حتی به ترامپ ابلاغ کرده که معامله باید به «پایان برنامه هسته‌ای ایران» بینجامد نه صرفاً محدودسازی غنی‌سازی. این موضع طرز فکر بازی «بازیکن اول» Stackelberg را نشان می‌دهد که ابتدا حرکت می‌کند و ساختار بازی را تعیین می‌کند. در یک بازی اولتیماتوم کلاسیک، اگر بازیکن دوم (ایران) پیشنهادی را رد کند، نتیجه ممکن است درگیری یا برخورد نظامی باشد. تهدید نتانیاهو مصداق

همین مکانیسم است. او معامله را چنان «آخرین پیشنهاد» ارائه می‌دهد که ظاهر آنها نقطه تعادل، مطابق کامل ایران با خواسته‌های اوست. **تعادل نافذ:** استراتژی سخت‌گیرانه نتانیاهو عملاً یک «تعادل نافذ» ایجاد می‌کند. به این معنا که او تلاش می‌کند تنها وضعیت ثبات را آن جایی بداند که ایران در شرایط تعیین‌شده او قرار گیرد. در تئوری بازی، تعادل نافذ به وضعیتی اشاره دارد که فقط انتخاب‌های خاصی می‌تواند تعادل را پایدار کند. در اینجا، خواست نتانیاهو مبنی بر «برچیدن همه زیرساخت‌ها» فرصتی برای توافق باقی نمی‌گذارد مگر اینکه ایران همه خواسته‌ها را بپذیرد. این راهبرد شبیه طراحی بازی «آخرین پیشنهاد» است که عملاً تنها نقطه تعادل مغفول، تبعیت کامل طرف مقابل است. به بیان دیگر، چشم‌انداز او فقط در صورتی امکان‌پذیر است که ایران به‌طور کامل متوقف شود، والا گزینه برد-برد (تعادل) به جنگ تغییر می‌کند.

تحلیل استراتژی‌های ایران

در این بازی چندجانبه

بازی اطلاعات ناقص: جمهوری اسلامی ایران در این بازی‌ها از اطلاعات ناقص خود استفاده می‌کند. تهران ماهیت پشت‌پرده قصد خود را آشکار نمی‌کند و غرب (و حتی متحدین منطقه‌ای) از میزان واقعی پیشرفت هسته‌ای و اهداف نهایی آن مطلع نیستند. در تئوری بازی‌ها، این وضعیت یک بازی اطلاعات ناقص است. هر بازیکن باید استراتژی خود را با احتمال‌هایی بر اساس اطلاعات ناقص طراحی کند. برای مثال ایران ممکن است هم در ابعاد نظامی و هم در مذاکرات به صورت پنهانی رفتار کند (مثل تولید سوخت هسته‌ای غنی‌شده برای مصارف خاص) تا واشینگتن را در مورد احتمال دستیابی به بمب نگران کند.

از سوی دیگر، ایران سیگنال‌هایی می‌فرستد تا به آمریکا نشان دهد حاضر به مذاکره است اما مقید به قواعد واشینگتن نیست. مثلاً پذیرفتن گفت‌وگو غیرمستقیم، نشانه‌ای است که ایران حاضر به «حضور در میدان دیپلماسی» است، ولی در عین حال با نپذیرفتن شرایط یک‌طرفه آمریکا، هزینه‌های ورود به این میدان را برای آمریکا بالا می‌برد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید بدون دانستن تمام کارت‌های تهران، استراتژی خود را طراحی کند که این عدم قطعیت پیچیدگی بازی را بیشتر می‌کند.

بازی انتخاب استراتژیک بین تسهیل و مقاومت: در گام بعد، ایران انتخاب می‌کند که از چه ترکیبی از همکاری و مقاومت استفاده کند. در ازای تعامل دیپلماتیک (مثلاً وعده پایین آوردن غنی‌سازی)، واشینگتن چه امتیازاتی می‌دهد؟ اگر آمریکا شروط خود را سخت‌تر کند، ایران مقاومت بیشتری نشان خواهد داد. به نظر می‌رسد ایران باید مذاکرات را به عنوان «عرضه‌ای برای بازی با کارت‌های دیگر» ببیند نه دادن امتیاز فوری. **ادامه در صفحه ۳**

یادداشت

چرخش آسیای مرزی مقابل رویای عثمانی

سید احمد کاظمی

تدریج تحت نفوذ روسیه تزاری قرار گرفتند. پس از شکست ترکیه در جنگ جهانی اول، پایان امپراتوری عثمانی و انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷. این کشورها به اتحاد جماهیر شوروی پیوستند.

با این‌حال، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، این جمهوری‌های خودمختار در داخل اتحاد جماهیر شوروی اعلام استقلال کردند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در قرن بیست و یکم، چین به عنوان یک بازیگر جدید در این منطقه ظاهر شد. منافع چین چندوجهی بود. یکن می‌خواست از منابع طبیعی عظیم این منطقه برای صنایع خود استفاده کند و از ظرفیت عظیم هیدروکربنی آسیای مرکزی برای تأمین نیازهای انرژی رو به گسترش خود بهره‌برداری کند.

پکن همچنین می‌خواست از موقعیت ژئواستراتژیک این کشورها در تقاطع بین آسیا و اروپا برای طرح بلند پروازانه «بنتار کمربند جاده» (BRI) خود استفاده کند. آسیای میانه منطقه کلیدی برای موفقیت پروژه ۱۰۷۵ تریلیون دلاری «بنتار کمربند جاده» (BRI) چین است. ترکیه، روسیه و چین نیز بستری چندجانبه‌ای را برای افزایش نفوذ دیپلماتیک خود در آسیای مرکزی ایجاد کرده‌اند.

روسیه در سال ۱۹۹۱ «جامعه کشورهای مستقل» (CIS) را تأسیس کرد که یک گروه‌بندی از ۱۲ جمهوری شوروی سابق، از جمله کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و چین نیز بستری قزاقستان، قرقیزستان، ترکیه و ازبکستان، وضعیت ناظر در این سازمان نیز به ترکمنستان، مجارستان و جمهوری خود خوانده ترک قبرس شمالی اعطا شده است.

اتحادیه اروپا یک بازیگر نسبتاً جدید در روسیه و اوکراین و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، اتحادیه اروپا در تلاش است تا یک سیاست خارجی مستقل برای مقابله با نفوذ رو به افزایش روسیه و چین و انطباق با خروج استراتژیک ایالات متحده از اروپا تدوین کند. نشست سران اتحادیه اروپا و آسیای میانه در اوایل این ماه اولین گام مهم در این راستا بود. در طول این نشست، اتحادیه اروپا ۱۲ میلیارد یورو (۱۳۶ میلیارد دلار آمریکا) برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آسیای مرکزی متعهد شد.

در یک شکست بزرگ برای ترکیه، سه جمهوری آسیای مرکزی شامل قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان که از اعضای سازمان (به اصطلاح) کشورهای ترک هستند (OTS)، حمایت خود را از حاکمیت قبرس اعلام کردند. این رویکرد، عملاً به تلاش‌های آنکارا برای استفاده از سازمان قومی موسوم به «سازمان کشورهای ترک» به عنوان ابزاری برای به رسمیت شناختن قبرس شمالی یا قبرس ترک نشین اشغالی پایان می‌دهد.

در بیانیه مشترکی پس از نشست سران اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در سمرقند در ۴ آوریل، سه کشور آسیای میانه به صراحت قطعنامه‌های ۵۴۱ (۱۹۸۳) و ۵۵۰ (۱۹۸۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد را تأیید کردند. این قطعنامه‌ها اعلامیه چندجانبه ترکیه در سال ۱۹۸۳ مبنی بر تأسیس «جمهوری ترک قبرس شمالی» (TRNC) را محکوم می‌کند و از اعضای سازمان ملل می‌خواهد

آن را به رسمیت نشناسند. در بیانیه مشترک دولت‌های آسیای مرکزی با اتحادیه اروپا آمده است: «ما بر تعهد قوی خود به قطعنامه‌های ۵۴۱ (۱۹۸۳) و ۵۵۰ (۱۹۸۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد تأکید کردیم، ما تأکید کردیم که مشارکت در چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای باید به طور کامل به قواعد بین‌المللی احترام بگذارد که برای ارتقای روابط اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی ضروری است.» شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۴۱ را در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۳ به تصویب رساند. این قطعنامه از همه کشورها خواست «به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی جمهوری قبرس احترام بگذارند» و هیچ دولت دیگری در این جزیره به جز دولت جمهوری قبرس را به رسمیت نشناسند. حاضر به «حضور در میدان دیپلماسی» است، ولی در عین حال با نپذیرفتن شرایط یک‌طرفه آمریکا، هزینه‌های ورود به این میدان را برای آمریکا بالا می‌برد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید بدون دانستن تمام کارت‌های تهران، استراتژی خود را طراحی کند که این عدم قطعیت پیچیدگی بازی را بیشتر می‌کند.

بازی انتخاب استراتژیک بین تسهیل و مقاومت: در گام بعد، ایران انتخاب می‌کند که از چه ترکیبی از همکاری و مقاومت استفاده کند. در ازای تعامل دیپلماتیک (مثلاً وعده پایین آوردن غنی‌سازی)، واشینگتن چه امتیازاتی می‌دهد؟ اگر آمریکا شروط خود را سخت‌تر کند، ایران مقاومت بیشتری نشان خواهد داد. به نظر می‌رسد ایران باید مذاکرات را به عنوان «عرضه‌ای برای بازی با کارت‌های دیگر» ببیند نه دادن امتیاز فوری.

از سوی دیگر، ایران سیگنال‌هایی می‌فرستد تا به آمریکا نشان دهد حاضر به مذاکره است اما مقید به قواعد واشینگتن نیست. مثلاً پذیرفتن گفت‌وگو غیرمستقیم، نشانه‌ای است که ایران حاضر به «حضور در میدان دیپلماسی» است، ولی در عین حال با نپذیرفتن شرایط یک‌طرفه آمریکا، هزینه‌های ورود به این میدان را برای آمریکا بالا می‌برد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید بدون دانستن تمام کارت‌های تهران، استراتژی خود را طراحی کند که این عدم قطعیت پیچیدگی بازی را بیشتر می‌کند.

بازی انتخاب استراتژیک بین تسهیل و مقاومت: در گام بعد، ایران انتخاب می‌کند که از چه ترکیبی از همکاری و مقاومت استفاده کند. در ازای تعامل دیپلماتیک (مثلاً وعده پایین آوردن غنی‌سازی)، واشینگتن چه امتیازاتی می‌دهد؟ اگر آمریکا شروط خود را سخت‌تر کند، ایران مقاومت بیشتری نشان خواهد داد. به نظر می‌رسد ایران باید مذاکرات را به عنوان «عرضه‌ای برای بازی با کارت‌های دیگر» ببیند نه دادن امتیاز فوری.

تصمیم قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، اعضای OTS برای تعهد به حمایت از حاکمیت قبرس یک پیروزی دیپلماتیک قابل توجه برای اتحادیه اروپا و یک شکست بزرگ برای ترکیه و سیاست‌های پان‌ترکیستی است.

این اقدام این سه کشور همچنین به عنوان یک شکست شخصی برای رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، تلقی می‌شود که زمان و انرژی قابل توجهی را در OTS سرمایه‌گذاری کرده است. اردوغان امیدوار بود از روابط زبانی و قومی ترکیه با این کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند تا همه کشورهای (به اصطلاح) ترک زبان در جهان معرفی کند. آنکارا همچنین تلاش می‌کرد از سازمان کشورهای ترک برای پیشبرد به رسمیت شناختن جمهوری خودخوانده ترک قبرس شمالی TRNC استفاده کند. با این هدف، TRNC سال ۲۰۲۲ از OTS وضعیت ناظر را دریافت کرد، امتیازی که فقط برای کشورهای مستقل و دارای حاکمیت محفوظ است.

شایان ذکر است زمانی که TRNC در نوامبر ۲۰۲۲ OTS وضعیت ناظر را دریافت کرد، دبیرکل وقت OTS، کوبانیچیک عمرعلی اف، گفت که این «بیامی به جهان» است. اکنون، با تعهد قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به حمایت از حاکمیت قبرس، تلاش دو ساله ترکیه برای استفاده از OTS به عنوان ابزاری برای به رسمیت شناختن بین‌المللی TRNC به پایان رسیده است.

این اقدام به عنوان یک شکست بزرگ در رسانه‌های ترکیه توصیف شده است. روزنامه ترکیه‌ای جمهوری‌با تیتز «آنها TRNC را به قیمت ۱۲ میلیارد یورو فروختند»، مدعی شد که به رسمیت شناختن قبرس توسط کشورهای آسیای مرکزی بخشی از یک معامله پایاپای با این سازمان در حال حاضر ۱۰ عضو دارد.

ترکیه در سال ۲۰۰۹ «سازمان (به اصطلاح) کشورهای ترک» را برای ترویج همکاری بین شامل پنج کشور عضو است: جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکیه و ازبکستان، وضعیت ناظر در این سازمان نیز به ترکمنستان، مجارستان و جمهوری خود خوانده ترک قبرس شمالی اعطا شده است.

اتحادیه اروپا یک بازیگر نسبتاً جدید در روسیه و اوکراین و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، اتحادیه اروپا در تلاش است تا یک سیاست خارجی مستقل برای مقابله با نفوذ رو به افزایش روسیه و چین و انطباق با خروج استراتژیک ایالات متحده از اروپا تدوین کند. نشست سران اتحادیه اروپا و آسیای میانه در اوایل این ماه اولین گام مهم در این راستا بود. در طول این نشست، اتحادیه اروپا ۱۲ میلیارد یورو (۱۳۶ میلیارد دلار آمریکا) برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آسیای مرکزی متعهد شد.